



میهمانان در «مهمان» آلبر کامو: هستی در تارتاروس

علیرضا فرحبخش^۱

چکیده:

این مقاله قصد دارد تا مفهوم هستی اگزیستانسیالیستی را در شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان کوتاه «مهمان» اثر آلبر کامو بررسی کند. و این موضوع را برای بررسی مفاهیم مختلف محیط داستان مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین سوالات اصلی این تحقیق عبارتند از: کدام شخصیت‌های این داستان کوتاه یک نوع شخصیت مرتبط با اگزیستانسیالیسم را توسعه داده‌اند؟ چه چیزی می‌تواند از انتخاب محیط کامو در ساخت داستان استنباط شود؟ برای پاسخ به این سوالات، این مطالعه اخلاقی-فلسفی ابتدا اصول اساسی اگزیستانسیالیسم را به طور خلاصه بررسی می‌کند و سپس این اصول و وظایفشان را در شخصیت‌ها و محیط روایی داستان مورد تحقیق قرار می‌دهد. پژوهش حاضر بیان می‌کند که تنها فردی که با مفهوم کامو در رابطه با یک قهرمان اگزیستانسیالیست مطابقت دارد، دارو است؛ اگرچه مرد عرب نیز ویژگی‌های خاصی را پرورش می‌دهند که با ذهنیت اگزیستانسیالیستی هماهنگ هستند. همچنین در اینجا نشان داده خواهد شد که در «مهمان» اشارات قابل توجهی به اسطوره سیزیف، جهنم، یادداشت‌ها از زمین زیرزمینی، سرزمین بی‌حاصل و مزبور ۲۳ وجود دارد که فضای غم‌انگیزی را ایجاد می‌کنند و دارو را به عنوان یک سیزیف مدرن نشان می‌دهند. یک مفهوم ممکن این است که کامو به طور موثر فلات الجزایر (جهان) را به جهان زیرین (جهنم یا دوزخ) تشبیه می‌کند. او همچنین خود را با دارو و مردمی که در اواسط قرن بیستم زندگی می‌کنند را با ساکنین تارتاروس تشبیه می‌کند.

واژگان کلیدی: اگزیستانسیالیسم، هستی، انتخاب، بیگانه‌شدن، سیزیف

^۱ دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه گیلان، رشت